حیاۃ القلوب
نویسندہ:
علامہ محمد باقر مجلسی
جلد(۵)

حیاهٔ القلوب

نویسنده:

علامه محمدباقربن محمدتقی مجلسی (ره)

ناشر چاپی:

اسلامیه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

که: مردم را به اصلاح نمی‌آورد مگر امام عادلی یا امام فاجری؛ پس حضرت آن دو آیه را خواندند «۵». و از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام روایت کرده است که: امامان از قبیله قریشند، نیکوکاران ایشان پیشوایان نیکوکارانند و بدکاران ایشان پیشوایان بدکارانند؛ پس آیه حیاة القلوب، ج۵، ص: ۴۵۸ دوم را حضرت خواندند «۱». و ابن ماهیار و فرات بن ابراهیم از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده‌اند در تفسیر قول خدای تعالی وَ جَعَلْنا مِنْهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا فرمود که: این آیه در شأن امامان از فرزندان فاطمه علیها السّلام نازل شده و مخصوص ایشان است و مردم را هدایت می‌کنند به امر خدا «۲». و ابن ماهیار از آن حضرت روایت نموده که: این آیه از برای امامان از ذرّیّه فاطمه علیها السّلام نازل شده است که روح القدس وحی می‌کند بسوی ایشان در سینه‌های ایشان «۳». مؤلف گوید که: در این باب احادیث بسیار است، و آنچه ذکر کردیم برای صاحبان یقین کافی است، و اگر کسی توهّم کند که آیه اولی بعد از ذکر موسی علیه السّلام و بنی اسرائیل وارد شده و شبیه به آن در موضع دیگر بعد از ذکر اسحاق و یعقوب و سایر انبیاء وارد شده است، و آیه دوم بعد از ذکر فرعون و جنود او واقع شده است، پس چون تواند بود که اول در شأن اهل بیت علیهم السّلام و دوم در شأن دشمنان ایشان باشد؟ جواب آن است که: مکرر مذکور شد که خدای تعالی قصص گذشتگان را در قرآن برای آن ذکر می‌فرماید که این امّت را به آنها متّعظ گرداند و نظیر آنها را در این امّت جاری نمایند، پس ظهر آیه در شأن آنها است و بطن آیه در شأن نظیر ایشان از این امّت، و نظیر انبیای بنی اسرائیل در این امّت حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم است و امامان بعد از او، و نظیر دشمنان آنها مانند فرعون و هامان و قارون و نمرود و اشباه ایشانند از این امّت که ابو بکر و عمر و عثمان و سایر خلفای جور و اعدای اهل بیت علیهم السّلام باشند؛ لهذا وارد شده است که فرعون و هامان و قارون، ابو بکر و عمر و عثمانند، و عمر سامری این امّت و ابو بکر عجل این امّت است با آنکه در آیات قرآنی بسیار است که اول آیه در شأن کسی است و آخر آیه در شأن دیگری. حیاة القلوب، ج۵، ص: ۴۵۹ پنجم: وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً «۱» یعنی: «و همچنین گردانیدیم شما را امّت میانه- یا بهتر- تا بوده باشید گواهان بر مردم». در احادیث بسیار از ائمه علیهم السّلام منقول است که: مائیم امّت وسط و مائیم گواهان خدا بر خلق او و حجت خدا در زمین او «۲»؛ و در این باب احادیث بسیار گذشت. ششم: وَ کُلَّ شَیْءٍ أَحْصَیْناهُ فِی إِمامٍ مُبِینٍ «۳» یعنی: «و همه چیز را احصا کرده‌ایم در پیشوای بیان‌کننده»؛ اکثر مفسران گفته‌اند که: مراد از امام مبین، لوح محفوظ است «۴»؛ و در احادیث بسیار از ائمه علیهم السّلام منقول است که: امام مبین، علی بن ابی طالب علیه السّلام است که خدا علم همه چیز را در او جا داده است «۵». و در معانی الاخبار از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده است که: چون این آیه بر حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نازل شد، ابو بکر و عمر برخاستند و سؤال کردند که: یا رسول اللّه! آیا امام مبین، تورات است؟ فرمود: نه، گفتند: پس انجیل است؟ فرمود: نه، گفتند: پس قرآن است؟ فرمود: نه، پس در آن وقت حضرت امیر علیه السّلام حاضر شد، حضرت فرمود: این است آن امامی که خدا همه چیز را در او احصا کرده است «۶». و به این مضمون احادیث بسیار است که ان شاء اللّه در احوال آن حضرت مذکور خواهد شد.

فصل سی و چهارم در نزول سلم و استسلام در ائمه علیهم السّلام و شیعیان ایشان

و در آن چند آیه است اول: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کَافَّةً وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبِینٌ «۱» یعنی: «ای جماعتی که ایمان آورده‌اید! داخل شوید در سلم- یعنی در اطاعت و انقیاد- همگی و پیروی مکنید گامهای شیطان را، بدرستی که او دشمنی است آشکار کننده دشمنی خود را». عیاشی روایت نموده است به سندهای بسیار که: سلم، ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام و امامان و اوصیای بعد از او و معرفت ایشان و اقرار به امامت ایشان؛ و خطوات شیطان و اللّه ولایت ابو بکر و عمر و عثمان است «۲». و کلینی و ابن ماهیار و دیلمی و دیگران نیز این مضمون را روایت کرده‌اند «۳». مترجم گوید که: این تأویل در نهایت ظهور است زیرا که چون خطاب با مؤمنان است خطاب کردن ایشان را که: در اسلام داخل شوید، معنی ندارد؛ پس یا خطاب به